

فرمانده انتظامی خراسان رضوی در گفت وگو با خراسان خبر داد:

عاملان سرقت مسلحانه در بازار طلا فروشان به دام افتادند



سید خلیل سجادپور - سه عضو باند «لوکی سواران مخوف» که باتیراندازی و چاقو کشی مقابل یکی از بازارهای طلافروشی در مشهد، چند کیلوگرم طلا را به سرقت برده بودند، با تلاش شبانه روزی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی دستگیر و به پنجه عدالت سپرده شدند.

فرمانده انتظامی خراسان رضوی روز گذشته در تشریح ماجرای سرقت مسلحانه از بانکداران طلا و در گفت و گویی اختصاصی به خراسان اظهار کرد: بیست و چهار بهمن سال گذشته، ۳ جوان که سوار بر دو دستگاه موتورسیکلت لوکی ۱۸۰ بودند، به سمت سر نشینان یک دستگاه خودروی سمند در بولوار عدل خمینی (ره) حمله کردند و با ایجاد رعب و وحشت و چاقو کشی، کیف حاوی طلاهای بانکداران را از مقابل بازار طلا فروشان به سرقت بردند.

سردار محمد کاظم تقوی اضافه کرد: تیراندازی هم‌زمان تبهکاران مخوف برای ایجاد ترس در مردم و هتکاران، جوی از وحشت را ایجاد کرد و سارقان مسلح در حالی که یکی از بانکداران طلا معروف به (کیفی) را مجروح کرده بودند، از محل گریختند. وی تصریح کرد: با گزارش این حادثه به پلیس، بی‌درنگ گروه‌ورزیده‌ای از کارآگاهان اداره جنایی و بافرماندهی مستقیم سرهنگ کارآگاه جواد شفیق زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) عازم محل وقوع سرقت شدند و با توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند.

سکandar امنیت سرزمین خورشید تصریح کرد: بررسی‌های مقدماتی بیانگر آن بود که ۳ جوان که دو تن از آنان قوی هیکل هستند به تعقیب بانکداران طلا پرداخته‌اند و به کیف حاوی طلاهای آنان دستبرد زده‌اند. اگرچه در برخی از فضا‌های مجازی و سایت‌های خبری،

مقدار طلاهای سرقتی ۱۸ کیلوگرم اعلام شده بود ولی بررسی‌های دقیق پلیس نشان داد که مقدار طلاها کمتر از ۵ کیلوگرم بوده است. با وجود این سرقت مسلحانه در خراسان رضوی از جمله جرایمی محسوب می‌شود که گروه‌های تخصصی تا زمان کشف جرم و به‌طور شبانه‌روزی به تحقیق و پیگیری پرونده ادامه می‌دهند. به همین دلیل هم گروه تخصصی زیر نظر سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره مبارزه با جرایم جنایی) وارد عمل شدند و جلسات کارشناسی را زیر نظر رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی تشکیل دادند.

سردار سرتیپ تقوی ادامه داد: تحقیقات میدانی و تجربیات کارآگاهان به سرنخ‌هایی رسید که نشان می‌داد سارقان مسلح از منطقه شمال

سرتیپ محمد کاظم تقوی گفت: طولی نکشید که مخفیگاه دو برادر در بولوار طبرسی ۲۸ و شهیدآوینی ۴۳ در حالی شناسایی شد که آنان دارای سوابق کیفری متعدد بودند. وی افزود:



موتورسیکلت سارقان

عملیات کارآگاهان با راهنمایی و دستورات ویژه قاضی رضوی، وارد مرحله جدیدی شد و آنان با کسب مجوزهای قضایی، در یک عملیات



لحظه دستگیری متهم در قلعه رودخان گیلان



طلاهای سرقتی کشف شده از سارقان

و شرق مشهد در یک خط سیر از قبل تعیین شده، حرکت و سپس با بررسی جوانب در مقابل بازار طلافروشان اقدام به ارتکاب جرم کرده‌اند. بنابراین استفاده از امکانات پلیسی و فناوری‌های نوین اطلاعاتی در دستور کار نیروهای عملیاتی قرار گرفت و گروه دیگری از کارشناسان فنی اداره اطلاعات جنایی نیز به یاری افسران عملیاتی آمدند و بدین ترتیب دامنه رصد‌های اطلاعاتی به منطقه گلشهر و بولوار دوم طبرسی کشید. رئیس پلیس با تجربه خراسان رضوی خاطر نشان کرد: کارآگاهان پس از مدتی فعالیت‌های پلیسی و بازبینی دوربین‌های مدار بسته به سرنخ‌هایی از سارقان رسیدند که هویت آنان را برای پلیس نمایان کرد. این بررسی‌ها بیانگر آن بود که دو جوان قوی هیکل «حمید و جمال م» نام دارند که برادر هستند و فرد دیگری به نام «باقر – الف» با آنان همدست بوده است.

۲ کشته بر اثر سیل و رعد و برق در ۲ استان کشور

هلال احمر از امداد رسانی به ۱۷۵۰ نفر در سیل و آب گرفتگی ۱۷ استان خبر داد

ایلام، تهران، چهار محال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و یزد به خدمات امدادی نیازمند بودند و در این استان‌ها در مجموع به ۱۷۵۰ نفر امداد رسانی شده است. وی ادامه داد:

به گزارش صدا و سیما، ولی‌پور با اشاره به این که در هفت روز منتهی به ساعت ۶ صبح سه شنبه گذشته، ۱۷ استان کشور متأثر از سیل و آب گرفتگی بودند، افزود: ۶۷ شهرستان در ۱۷ استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان،

خدمت رسانی و علاوه بر اسکان اضطراری ۲۸۰ نفر، ۵۵ نفر را به مناطق امن منتقل کردند. همچنین ۲ هموطن جان خود را بر اثر سیل و آب گرفتگی شهرستان هریس در آذربایجان شرقی و رعد و برق شمیرانات، از دست دادند. رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر خاطر نشان کرد: در عملیات امداد رسانی به متاثران از حوادث جوی در این مدت، از ۱۸۹ واحد مسکونی تخلیه آب انجام شد.

ولی‌پور با اشاره به این که ۱۶۳ تیم عملیاتی شامل ۵۳۵ نفر در امداد رسانی به حادثه‌دیدگان مشارکت داشتند، گفت: در این مدت ۵۹ دستگاه چادر امدادی، ۷۴۱ کیلوگرم نایلون پوششی، ۸۵۵ تخته پتو، ۲۱۷ تخته موکت، ۱۰۰ بسته غذایی، ۲۵۵ قوطی کنسروجات و ۲۶۷ کیلوگرم برنج میان متاثران از حوادث جوی توزیع شده است. کمک‌رسانی در برخی شهرستان‌ها همچنان ادامه دارد.

شنادر استخر ذخیره آب

کشاورزی جان ۲ جوان را گرفت

توکل/ شنادر استخر ذخیره آب کشاورزی در حومه کرمان به قیمت جان دو جوان تمام شد. به گزارش خراسان، سرپرست سازمان آتش‌نشانی کرمان درباره این حادثه تلخ گفت: ساعت ۱۶:۴۶ سه شنبه ۱۳ اردیبهشت از غرق شدن دو نفر در استخر ذخیره آب کشاورزی واقع در حومه شهر کرمان (شرف آباد) باخبر شدیم که بلافاصله دو گروه تخصصی امداد و نجات به همراه دو دستگاه خودروی مجهز به تجهیزات نجات به محل حادثه اعزام شدند. ابراهیم بابایی افزود: افراد غرق شده باتلاش و جست و جوی آتش‌نشانان از عمق استخر ذخیره آب کشاورزی خارج شدند؛ اما متأسفانه این دو جوان جان خود را از دست دادند. وی علت این حادثه مرگبار را بی احتیاطی هنگام شنادر استخر ذخیره آب ذکر کرد.

ماجرای حمله اشرا به یک معلم و نیروهای پلیس

گشت پلیس به شدت مجروح می‌شود و شاکی نیز آسیب می‌بیند. بنابراین گزارش، باوجود مجروح شدن دو نفر (پلیس و معلم) در این حادثه، باز هم این دو شرور دست بردار نبوده و برای سوم قصد زیر گرفتن یکی دیگر از نیروهای پلیس را داشته‌اند که مامور حاضر در صحنه با اخطارهای پی‌درپی و شلیک چندین تیر هوایی، در صدد متوقف کردن این خودرو بوده که راننده و سرنشین آن با بی توجهی به اخطارهای پلیس سعی در رساندن آسیب

تیراندازی در مراسم

فاتحه خوانی، ۲ کشته داشت

رئیس پلیس آگاهی خوزستان از شناسایی و دستگیری فردی که در مراسم فاتحه خوانی منجر به قتل دو نفر در شهرستان اهواز شده بود، خبر داد. به گزارش ایرنا از پلیس، سرهنگ سهراب حسین نژاد افزود: در پی وقوع یک فقره تیراندازی در مراسم فاتحه خوانی که منجر به قتل دو نفر در شهرستان اهواز شده بود، موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت و باتلاش مستمر و کار اطلاعاتی کارآگاهان پلیس آگاهی قاتل در کمتر از ۲۴ ساعت شناسایی و با هماهنگی مرجع قضایی طی عملیات ضربتی در مخفیگاهش دستگیر شد. وی ادامه داد: متهم در تحقیقات پلیس صراحتاً به تیراندازی منجر به قتل اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

توکل/ شرور گستاخی که قصد جان یک

معلم را داشت، به هلاکت رسید. به گزارش خراسان، ساعت یک بامداد یازدهم اردیبهشت واحد گشت پلیس هنگام گشت زنی در شهر عنبرآباد، متوجه سرعت سرسام آور و حرکات مخاطره آمیز خودروی سمندی می‌شود که در تعقیب یک دستگاه پژو است که در همین لحظه سواری پژو به علت طی مسافت طولانی برای فرار از چنگال اشرا و ترکیدگی لاستیک، متوقف می‌شود، این در

در امتداد تاریکی

فیلم دوربین مدار بسته رسوایم کرد

از شدت شرمندگی و خجالت نمی‌توانستم نگاهم را از سنگفرش‌های اتاق مددکاری اجتماعی بردارم چرا که از یک سو توان نگریستن به چهره پدر کارگرم رانداشتم و از سوی دیگر فیلم دوربین مدار بسته رسوایم کرده بودند نمی‌توانستم ...

به گزارش خراسان، زن ۳۷ ساله که به اتهام سرقت طلا دستگیر شده بود در حالی که بیان می‌کرد قدر اعتماد و محبت را ندانستم در باره سرگذشت خود و ماجرای سرقت هایش به کارشناس اجتماعی کلانتری احمدآباد مشهد گفت: بعد از آن که دیپلم گرفتم و نتوانستم وارد دانشگاه شوم در کنار مادرم به امور خانه‌داری مشغول شدم. پدرم نیز اگرچه یک کارگر ساده ساختمانی بود و درآمد مناسبی نداشت اما تلاشی می‌کرد تا نان حلال سر سفره خانواده‌اش بگذارد ولی او هر سال که بر سنش افزوده می‌شد نگرانی در چشمانش موج می‌زد چرا که می‌ترسید من نتوانم شوهر مناسبی پیدا کنم و با این شرایط در خانه بمانم به همین دلیل وقتی در ۲۲ سالگی پسر همسایه مرا خواستگاری کرد پدرم با خوشحالی و صف ناپذیری مقدمات مراسم خواستگاری و عقد کنان را فراهم آورد. با آن که او نظر مرا درباره سعید نپرسیده بود اما حس نگرانی او به من هم تلقین شده بود به گونه ای که احساس می‌کردم نباید این فرصت ازدواج را از دست بدهم. خلاصه خیلی زود سر سفره عقد نشستیم و با سعید ازدواج کردم. او پسر بدی نبود ولی شغل در دست و حسابی نداشت. در آن زمان سعید شاگرد مکانیکی به عنوان شاگرد در یک تعمیرگاه خودرو با صافکاری کار می‌کرد و گاهی هم در کارواش یا تعویض روغنی مشغول کار بود. اگرچه در اوایل زندگی با همین درآمد اندک روزگارمان را می‌گذرانیدیم اما با به دنیا آمدن اسماعیل مخارج زندگی ما بیشتر شد و در تنگنای مالی قرار گرفتیم. آن زمان سعید شاگرد مکانیکی بود و از صبح تا شب در تعمیرگاه خودرو کار می‌کرد ولی برای آن که بتواند درآمد بهتری کسب کند به ناچار شب‌ها را نیز به عنوان نگهبان در یک مجتمع مسکونی در حال ساخت مشغول کار شد. هنوز مدت زیادی از این ماجرا نگذشته بود که با تغییر رفتارهای همسرم متوجه شدم او در دام اعتیاد افتاده است چرا که به همراه افرادی که به تازگی با آن‌ها دوست شده بود به بهانه بیدار ماندن در سرکار و در همان اتاقک نگهدایی مواد مخدر مصرف می‌کرد. اعتیاد همسرم به جایی رسید که از محل کارش اخراج شد و بساط استعمال مواد مخدر را در خانه پهن کرد این در حالی بود که فشار مالی شدید زندگی ما را سخت‌تر کرد و من مجبور شدم برای تأمین بخشی از هزینه‌های زندگی به امور نوظافتی در منازل مردم پردواز هفته‌ای چند روز سرکار بروم. با وجود این درآمد کافی نبود چرا که همسرم بعد از اخراج از کار مواد مخدر صنعتی مصرف می‌کرد و من هم آرام‌آرام استعمال مواد مخدر را تاجر به می‌کردم به همین دلیل در پی شغلی بودم که بتوانم برای درآمدزایی بیشتر همه روزهای هفته را کار کنم. در این وضعیت روزی یکی از افرادی که امور نوظافتی منزل آن‌ها را انجام می‌دادم به من پیشنهاد کرد پرستاری از فرزندش را به عهده بگیرم آن زوج میان سال کارمند بودند و نمی‌خواستند دخترشان را به مهد کودک بفرستند این بود که در کنار امور خانه داری و نوظافتی، مراقت با دختر خردسال آن‌ها را نیز در حدود ۲۰ ماه به عهده داشتیم با آن که آن زوج میان سال با شیوه‌های گوناگون به من کمک مالی و غیر نقدی می‌کردند اما من که نتوانسته بودم اعتیاد را کنار بگذارم همواره با خودم فکر می‌کردم چرا آن‌ها که تمکن مالی خوبی دارند حقوق ماهانه مرا اضافه نمی‌کنند. با آن که همواره در این افکار غوطه‌ور بودم اما به دلیل لطف و محبت زیادی که به من داشتند جرئت نمی‌کردم این موضوع را ابراز کنم و به کارم ادامه می‌دادم تا این که یک روز هنگام مرتب کردن اتاق خواب، چشمم روی جعبه طلا و جواهرات درون کشوی میز خیره‌ماند وقتی داخل جعبه را نگاه کردم برقی از چشمانم پرید اما خیلی زود در جعبه‌ایستم و نگاهم را از آن در دیدم ولی وسوسه عجیبی بر وجودم حکمفرما شده بود و نمی‌توانستم بی خیال آن همه طلا بشوم چند بار دیگر به درون جعبه نگاه کردم و آن را بستم فکر سرقت طلا‌ها مانند خوره به جانم افتاده بود در مدت دو روز بارها طلاها را بیرون کشیدم و نگاه کردم بالاخره همه اعتماد و محبت‌های آن زوج را زیر پا گذاشتم و یک نخچیر طلا به همراه یک حلقه انگشتر را سرقت کردم و بقیه طلاها را درون جعبه قرار دادم چند روز بعد وقتی فهمیدم کسی متوجه سرقت نشده است دوباره مقدار کمی از آن‌ها را ر بودم همه چیز خیلی طبیعی بود تا این که برای سومین بار یک پلاک و انگشتر دیگری را برداشتم اما عصر همان روز وقتی صاحبکارم به منزل آمد با حالتی پر خاشگرانه از من خواست طلاها را سرچایش بگذارم اما من با بیان این که تحمل تهمت‌های ناروا را ندارم با او درگیر شدم که دقایقی بعد پلیس از راه رسید و فیلم دوربین مدار بسته را مقابل چشمانم گذاشت تازه فهمیدم صاحبکارم به طور مخفیانه از اتاق دوربین مدار بسته نصب کرده بود و حالا در برابر یک رسوایی بزرگ قرار گرفته بودم ...

گزارش خراسان حاکی است با توجه به سرقت‌های مشابه در منازل شهروندان و با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد علی عسکری (رئیس کلانتری احمدآباد مشهد) بررسی‌های بیشتر درباره این ماجرا به افسران ورزیده دایره تجسس سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

بیشتر به‌مأموران داشتند. برپایه گزارش پلیس کرمان، سرانجام تنها نیروی پلیس حاضر در صحنه اقدام به شلیک به سمت لاستیک‌های خودروی سمند اشرا را می‌کند که به علت حرکات مخاطره‌آمیز و ماریجی، خودرو از ناحیه در هدف شلیک و اصابت گلوله قرار می‌گیرد که راننده شرور خودروی مجروح در بیمارستان فوت می‌کند و شرور دیگر به عنوان همدستش نیز از صحنه می‌گریزد که تلاش برای دستگیری او ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی